روزنامه هم‌میهن

یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ ▪ ۱۶ صفحه ▪ ۲۰ هزارتومان ▪ سال چهارم ▪ شماره ۷۸۲

www.hammihanonline.ir

قرمان‌ها و توصیه‌های مقام معظم رهبری درباره نیروی کار کشور

کارگران در سود کارخانه‌ها شریک شوند

نظارت نبود، مهسا در آتش سوخت

بررسی دلیل مرگ یک دانش‌آموز استثنایی پس از حادثه در سرویس مدرسه‌ای در ارومیه

تبعیض فناورانه

گزارش مسعود شاه‌حسینی درباره افزایش دعاوی حقوقی علیه فرهنگ سازمانی ناسالم

هرکس نردبان خود را دارد

گفت‌وگو با لودمیلا اولیستکایا نویسنده کتاب «نردبان یعقوب»

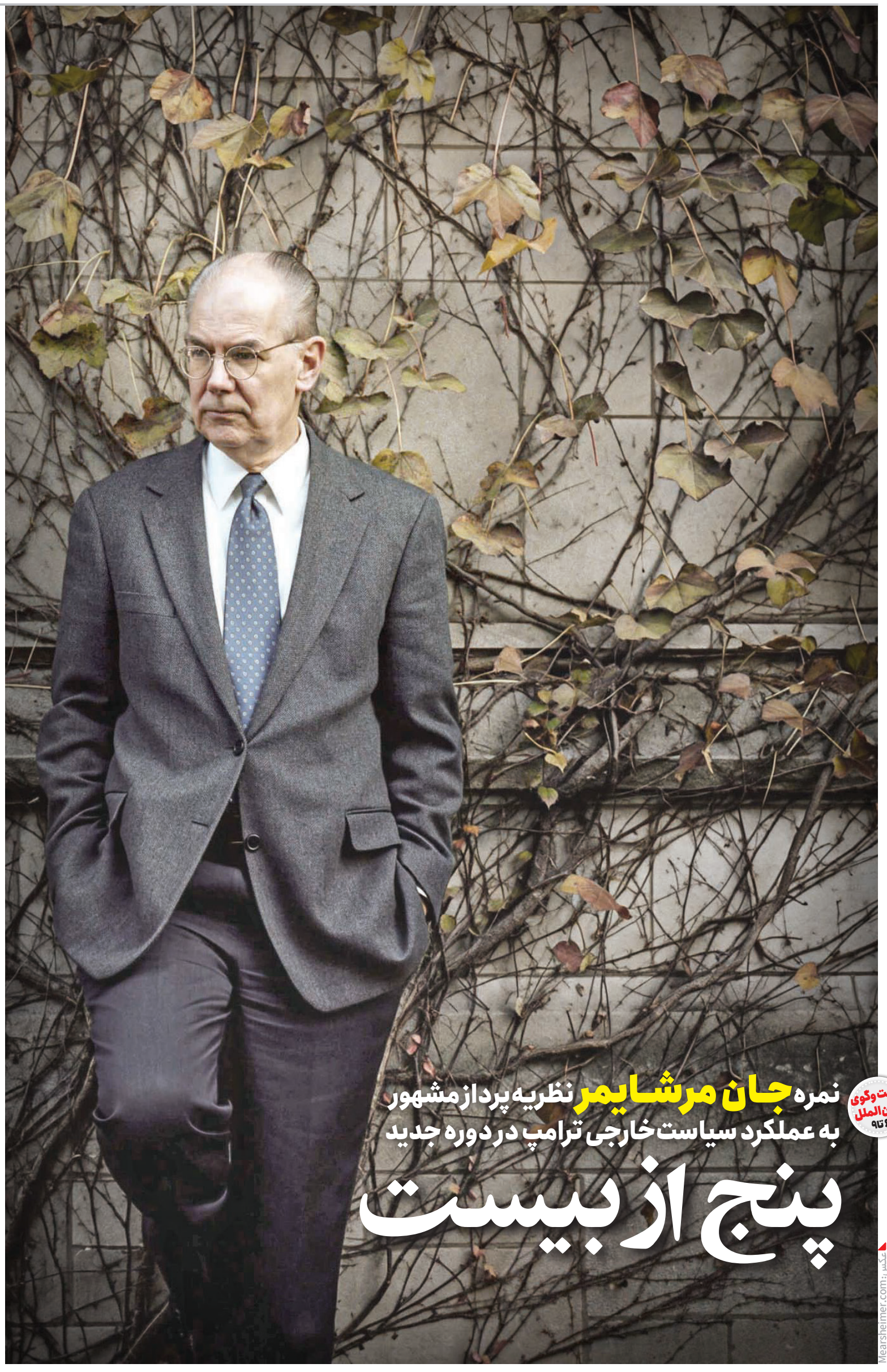

گفت‌وگوی بین‌الملل ۶ تا ۹

نمره جان مرشایمر نظریه‌پرداز مشهور به عملکرد سیاست خارجی ترامپ در دوره جدید

پنج از بیست

عکس: Mearsheimer.com

چهارمین دور مذاکرات ایران و آمریکا زیر سایه درصد غنی‌سازی

چالش در مسقط

گزارش دیپلماسی ۲-۳

ابراهیم رحیم‌پور معاون پیشین وزارت امور خارجه

مذاکرات تا دور سوم، بیشتر درگیر مسائل شکلی به اضافه تعارفات بود. اما این تعارفات تا یک جایی معمول است. بعد از آن در مذاکره دو طرف با هم درگیر هستند، به‌رغم مثبت خواندن فضا گاهی این درگیری‌ها به فضای علنی سرایت می‌کند. به این موضوع دقت کنید که بحث غنی‌سازی صفر تاکنون مطرح نبود. حتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمی‌تواند چنین چیزی را از اعضای خود بخواهد. کار دیگر حقوقی و تکنیکی نیست بلکه سیاسی است.

حسین نوش‌آبادی سفیر پیشین ایران در عمان

برخورداری از چرخه سوخت برای برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، یکی از خطوط قرمز مشخص شده است. ما این را حق طبیعی و مسلم خود می‌دانیم که در هیچ سطحی قابل مذاکره نیست. آنچه طرف آمریکایی درباره برچیده شدن برنامه هسته‌ای مطرح می‌کند نیز خط قرمز جمهوری اسلامی است. اما پیش از این ما نشان دادیم که در بحث محدودسازی غنی‌سازی آماده هستیم و البته در مقابل آن نیز رفع فوری تحریم‌های ظالمانه طرف آمریکایی را می‌خواهیم.

سرمقاله

توسعه مفهوم کارگر

جامعه ما و شاید اغلب جوامع، تحت تاثیر فرهنگ و ادبیات مارکسیستی، از کارگر و کشاورز تصوری داس و چکشی دارند. داس را نماد و ابزار کشاورز و دهقان می‌داند و چکش را در دست فردی با لباس کار و بدن‌های ستبر نماد کارگر می‌داند. البته این یک تعریف ویژه است و ایرادی به آن وارد نیست ولی از منظری دیگر این تعریف بسیار ناقص است و به سود همین نوع از کارگران نیز نیست و متاسفانه فضای عمومی در ایران به آن توجه کافی ندارد. پیشرفت و توسعه، همزاد با دستمزدی شدن کار است. در جوامع اولیه و بدوی مزدبگیران دائمی و تمام‌وقت بسیار اندک هستند، تعداد کمی در خدمت دولت‌ها بودند تعدادی هم به‌صورت روزمزد و بدون هیچ گونه حقوق اجتماعی و به‌صورت فصلی گذران زندگی می‌کردند. برخی هم که کلا برده بودند. اقتصاد معیشتی چنین اقتضائاتی داشت ولی در آغاز مرحله صنعتی شدن دو تحول کم‌کم به‌وجود آمد. اول استخدام‌های دولتی که تابع ضوابط بسیار خاصی است و امکان اخراج به راحتی فراهم نیست. اهمیت این اتفاق را مردم کمتر متوجه می‌شوند ولی بنیان بوروکراسی مدرن بر اساس ضوابط سخت استخدامی و منع اخراج استخدام‌شدگان، جز در موارد خاص و با حمایت دادگاه است. اتفاق دوم خروج کارگران از سلطه بلامنازع کارفرمایان بود؛ به لحاظ حداقل دستمزد، ساعات کار، ضوابط اخراج، بیمه درمان و تامین اجتماعی و بازنشستگی و.... همه و همه به بهبود امور آنان انجامید. برای آن که بدانیم ارتباط توسعه با نیروی کار مزدبگیر چیست آمار وضعیت شغلی را مرور می‌کنیم، که ۵ صورت است. کارکنان دولت؛ مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی، کارفرمایان (کسی که کارگر در استخدام خود دارد)، کارکن مستقل (کسی که خودش کار می‌کند و درآمد دارد بدون داشتن کارفرما) و کارکنان فامیلی که خانوادگی و بدون دستمزد کار می‌کنند. روند توسعه و پیشرفت و ثبات به‌سوی مزد و حقوق‌بگیری است. مطابق آمار سازمان جهانی کار آمار مزد و حقوق‌بگیران در سال ۲۰۱۹ در کشورهای با درآمد کم ۲۰ درصد نیروی کار آنان بوده است، در کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین ۳۵ درصد، در متوسط رو به بالا ۵۹ درصد و کشورهای با درآمد بالا ۸۸ درصد بوده است. همه این کشورها در مسیر توسعه و ثبات بیشتر حرکت کرده‌اند و طی ۳۰ سال گذشته مزدبگیران آنان چه در بخش دولتی یا در بخش خصوصی افزایش چشمگیری یافته است. تنها کشوری که برخلاف این مسیر حرکت کرده ایران است که اکنون ۵۲ درصد شاغلان آن مزد و حقوق‌بگیر هستند ولی در سال ۱۹۹۱ برابر ۵۵ درصد بود. اگر مسیر متعارفی داشتیم الان باید بالای ۷۰ درصد نیروی کار ایران مزد و حقوق‌بگیر می‌بودند. یکی از علل بی‌ثباتی سیاسی جوامع، ساختار شغلی آن است. این فرایند در دولت‌های اصولگرایان خیلی تشدید شد و نه‌تنها شغل کافی در دولت احمدی‌نژاد ایجاد نشد بلکه مشاغل مزدبگیری را با رویکرد واپسگرایانه سنتی تا حدی منفی نگاه می‌کردند و کارگاه‌ها را کوچک و حتی فردی می‌پسندیدند. ولی مشکل مهم‌تر درکی است که از کارگر ارائه می‌دهیم و تعداد آنان را بسیار محدود به کارگران یدی کرده‌ایم در نتیجه آنان نیز در استیفای حقوق خود ضعیف می‌شوند. پزشک و مهندس و وکیل و روزنامه‌نگار و هنرمندی که مطابق قانون کار در استخدام کارفرماست و مزد می‌گیرد همان قدر کارگر است که کارگر کارخانه فولادسازی یا راننده مترو و تریلی چنین است. البته همه مسائل اینها مشترک نیست هر گروه از کارگران مسائل و مشکلات خاص خود را دارند ولی مسائل مشترک آنان بسیار مهم‌تر از مسائل اختصاصی آنان است. برای حل این دو مشکل ابتدا باید سیاست توسعه اقتصادی را اصلاح کرد و همزمان نگاه به مفهوم و همبستگی کارگری را بازتعریف نمود.